

پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰

صفحه ۳۷-۷۲ (مقاله پژوهشی)

No. 42, Spring & Summer 2021

تقد آرای مختلف در خصوص رسم الخط قرآن کریم

کیوان احسانی^۱، محمد دهقانی^۲، افسانه کوهره^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱۲/۵ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۲/۲۵)

چکیده

رسم المصحف که به آن رسم العثمان نیز گفته می‌شود؛ اصطلاحی است که به قرآن کتابت شده در زمان عثمان اختصاص داده شده است. در رسم المصحف، نگارش کلمات زیادی با کلمات امروزه عربی تفاوت دارد از طرفی کلمات همسان دیگری در رسم المصحف وجود دارند که به دو رسم متفاوت نوشته شده‌اند. پژوهشگران زیادی تاکنون در مورد رسم المصحف آثاری را بر جای گذاشته‌اند اما خلاً پژوهشی مستقل که جامع تمامی این آرا و تقد و بررسی آن‌ها باشد نگارنده را بر آن داشت که در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی آرای مختلف را در سه دسته تقسیم‌بندی نماید؛ دسته اول معتقد‌نده که متن قرآن مضطرب است و باید برای آن متن واحدی ایجاد کنیم، دسته دوم اختلافات موجود در رسم المصحف را اجتهادی می‌داند که در این بین تعدادی از آن‌ها معتقد‌نده باید رسم الخط قرآن را تغییر داد و تعدادی دیگر موافق تغییر رسم المصحف هستند، دسته سوم افرادی هستند که موافق توقيفی بودن رسم المصحف هستند و هیچگونه تغییری در آن را جایز نمی‌دانند، در بین این گروه افرادی وجود دارند که می‌گویند این نوع رسم الخط قرآن کریم معجزه بهشمار می‌آید. هر یک از دیدگاه‌های یاد شده قابلیت تقد علمی دارند.

کلید واژه‌ها: رسم الخط، رسم الاماء، رسم المصحف، اجتهادی، توقيفی، معجزه.

۱. استادیار دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ k-ehsani@araku.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)؛

Dehghani.m100@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی دورود، دورود، ایران؛ afsanehkouhro@gmail.com

۱- مقدمه

رسم الخط قرآن کریم یکی از مباحث مهم مطرح شده در علوم قرآنی است که یک مفسر پیش از تفسیر قرآن لازم است ویژگی‌های آن را بداند زیرا اولین مرحله برای فهم هر متنی دست‌یابی به متن اصلی است و اگر تغییراتی در متن اصلی بوجود آمده باشد مفسر را در فرایند فهم دچار اشتباه می‌کند. وجود تفاوت‌هایی در رسم الخط قرآن کریم غیر قابل انکار است. این تفاوت‌های نگارشی هم در مقایسه کلمات قرآنی با کلمات امروزه عربی وجود دارد(مثل کلمه کتاب که در رسم المصحف الکتب نوشته می‌شود و در رسم الخط عربی امروز آن را الكتاب می‌نویسند) هم در برخی از واژگان همسان، یعنی یک کلمه مشخص در قرآن در آیات متعدد به صورت‌های مختلفی نوشته شده است (همانند کلمه فصال که در آیه ۲۳۳ سوره بقره به صورت «فِصَالًا» و در آیه ۱۴ سوره لقمان «فِصَلُه» نوشته شده است).

در خصوص ویژگی‌های رسم المصحف آرای متفاوت و اغلب متعارضی وجود دارد که خواننده را دچار اشتباه می‌کنند. آرای دانشمندان به توقیفی یا اجتهادی بودن رسم المصحف و اعتقاد به تغییر یا عدم تغییر رسم الخط متن قرآن برمی‌گردد، در این بین افراد دیگری نیز وجود دارند که اعتقاد به إعجاز رسم المصحف دارند. کاملاً مشخص است افرادی که به إعجاز الخطی قرآن کریم اعتقاد دارند، لزوماً به توقیفی بودن رسم المصحف معتقدند و افرادی هم که اعتقاد دارند رسم الخط قرآن کریم باید تغییر کند لزوماً به اجتهادی بودن آن معتقدند اما مشکل و ابهام در این مسئله در خصوص موارد ذیل است:

- افرادی که به اجتهادی بودن رسم المصحف اعتقاد دارند، لزوماً معتقد به تغییر رسم المصحف براساس رسملاء امروزه عربی نیستند.
- افرادی که به توقیفی بودن رسم المصحف اعتقاد دارند، لزوماً معتقد به إعجاز رسم الخط قرآن کریم نیستند.

- افرادی که معتقدند نباید رسم الخط قرآن کریم تغییر یابد، لزوماً به توافقی بودن آن معتقد نیستند.

لذا عدم وجود پژوهشی مستقل که این آرا را در یک قالب منسجم سامان بخشیده باشد و در ذیل هر یک به نقد و بررسی آن‌ها پیردازد نگارنده را بر آن داشت تا با مطالعه کتابخانه‌ای به روش توصیفی - تحلیلی، با دسته‌بندی آن‌ها خواننده را با آرای گوناگون پیرامون رسم المصحف آشنا کند و طرفداران هر یک از این نظریه‌ها را از هم تفکیک نماید.

۲- پیشینه

تاریخچه نگارش قرآن کریم به اوایل نزول قرآن بر می‌گردد کاتبان وحی براساس آئین نگارشی که در آن زمان مرسوم بود به نگارش آیات قرآن می‌پرداختند و لذا هیچ اختلافی بین رسم الخط قرآن کریم و سایر مکتوبات و نامه‌ها و... وجود نداشت اما پیشینه بحث اختلاف در رسم المصحف به صدر اسلام بر نمی‌گردد زیرا در صدر اسلام نگارش قرآن براساس همان رسم الخطی که در آن زمان مرسوم بوده صورت گرفته است و کسی تابحال از اختلاف رسم المصحف و رسم الإملاء در زمان پیامبر(ص) صحبت نکرده است. لذا پیشینه این بحث بر می‌گردد به زمانی که اختلافات بین نگارش قرآن و نگارش خط عربی رو به فزونی نهاد و به عبارت دیگر عربی فصیح از عربی غیر فصیح جدا شد.

پس از رفع مشکلات اوّلیه و وضع اعراب‌گذاری، إعجام، مشخص کردن ابتدا و انتهای آیات، به علت ترس از تحریف قرآن هیچ فرد و حکومتی جرئت هیچ‌گونه تغییری در قرآن را نداشت. در نتیجه تمامی تلاش‌هایی که در این عرصه به وجود آمد تماماً منحصر در خطاطی و زیبایی گردید. اما از قرن سوم به بعد کتاب‌هایی بر محوریت رسم المحف به نگارش درآمد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: «هجاء المصاحف» از محمد بن عیسی اصفهانی (متوفی ۲۵۳هـ)، «اختلاف المصاحف» و «الهجاء» از ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی (متوفی ۲۵۵هـ)، «القمع فی معرفة مرسوم مصاحف الامصار» و «المحكم فی نقط

المصحف» از ابو عمرو عثمان بن سعید دانی (متوفی ۴۴۴ هـ) و... در قرون معاصر نیز پژوهش‌هایی درخصوص رسم المصحف انجام گرفته است که عبارتند از: «تاریخ القرآن و غرایب رسمه و حکمه» با یک عنوان از سه نویسنده؛ محمد طاهر کردی (قرن ۱۴)، محمد بن عبدالواحد دسوقی (قرن ۱۵)، عبدالفتاح اسماعیل شبی (قرن ۱۵) و «رسم المصحف» از صالح محمد عطیه (قرن ۱۵)، «رسم المصحف» از غانم غدوری حمد (قرن ۱۵) و.... پایان‌نامه‌هایی نیز در موضوع «رسم المصحف» نوشته شده است که عبارتند از: رساله دکتری «سیر تحول علم رسم المصحف و بازتاب آن در مصحف‌نگاری» از محسن رجبی به راهنمایی سید کاظم طباطبائی بور در سال ۱۳۹۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «سیر تحول رسم الخط قرآن از آغاز تاکنون» از ملکه طالبی گوزللو به راهنمایی علی‌رضا دل‌افکار در سال ۱۳۹۴، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تفاوت‌های معنایی رسم الخط متفاوت واژگان همسان در قرآن» از مصیب مرزبانی به راهنمایی رضا امانی در سال ۱۳۹۵.

برخی از مقالاتی که در این زمینه به رشتة تحریر در آمده‌اند عبارتند از: «رسم الخط، قرائت و حفظ قرآن کریم» از سید محمد باقر حجتی در سال ۱۳۷۳، «اصول رسم الخط عثمانی» از م.س. عبدالحليم (ترجمه: علی‌اکبر خان محمدی) در سال ۱۳۷۷، «تاریخچه رسم الخط قرآن و سیر تحول آن» از سیدمهدي سيف در سال ۱۳۸۲، «نگرشی به رسم الخط قرآن کریم (رسم المصحف)» از کریم دولتی در سال ۱۳۸۷، «بررسی دیدگاه نولدکه درمورد رسم الخط و کتابت قرآن» از محمد جواد اسکندرلو و سید حسن حسینی در سال ۱۳۸۸، مقاله «سیر تحول خطوط قرآنی در جهان اسلام» از مهدی صhra گرد و علی‌اصغر شیرازی در سال ۱۳۹۱.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمام پژوهش‌های صورت گرفته درمورد رسم المصحف حول محور «سیر تحول خطنویسی، اصول رسم المصحف، تفاوت‌های معنایی، ارتباط رسم المصحف با قرائات، جایگاه آن و...» نوشته شده‌اند و لذا وجه تمایز این پژوهش با سایر کارهایی که در مورد رسم المصحف انجام گرفته این است که در پژوهش حاضر تمامی آرای دانشمندان مسلمان و مستشرقان در یک مجموعه جمع‌آوری شده و تمامی نظرات

آن نقد و بررسی شده است درنتیجه پژوهش حاضر با عنوان «نقد آرای مختلف در خصوص رسم الخط قرآن کریم» بدون پیشینه است.

۳- رسم المصحف

رسم المصحف از دو اصطلاح به شرح زیر تشکیل شده است:

۳-۱. رسم

«در زبان عربی و دیگر زبان‌های سامی (آرامی، عبری، سریانی، مندائی)، معنای اصلی «رسم»، اثر و نشانه‌ای (علامت گذاشتی) است که پایدار و باقی بماند» (مشکور، ۲۹۴/۱) و «از آن جا که فرایند نوشتن، در مراحل نخستین خود در ابزاری انجام می‌گرفت که ظهور و ماندگاری بیشتری داشت، به عمل نگاشتن و کتابت نیز «رسم» می‌گفتند» (ابن فارس، ۳۹۳/۲).

۳-۲. مصحف

«مصحف» از ریشه «صحَّفَ» است که در عربی جنوبی و حبسی به معنای نوشتن است (مشکور، ۴۷۷/۱). ولی نوع ابزاری را که تمدن‌های جنوبی (واقع در یمن) و حبسیان برای نگارش به کار می‌برده‌اند (برگ‌ها و اوراق پهن و مسطّح)، سبب شد که واژه «صحف» در تبادل فرهنگی جنوب با سرزمین حجاز، معنای مسطّح و ورقه ورقه بودن را با خود انتقال دهد (ابن فارس، ۳۳۴/۳). چنان‌که صحیفه و صحائف به مفهوم ورق و صفحه‌هایی که بر آن می‌نویسند، در ادبیات قدیم عرب نیز به کار رفته است (جفری، ۲۸۷-۲۸۸).

به طور کلی رسم الخط بر دو نوع است: ۱- رسم الإملاء ۲- رسم المصحف.

۳-۳. رسم الإملاء

در «رسم الإملاء»؛ کلمات، مطابق با تلفظ و نطق نوشته می‌شوند (مگر در برخی موارد استثنایی).

۳-۴. رسم المصحف

قرآنی که در زمان عثمانی گردآوری شد، به قرآن عثمانی موسوم گردید. این قرآن با رسم الخط مخصوص و منحصری که در آن اعمال شده بود، موسوم به «الرسم العثمانی»، یعنی رسم الخط منتبه به عثمان شد. «نام دیگر این قرآن «رسم المصحف» است، که البته منظور همان مصحف عثمانی است» (عبدالحليم، ص ۱۲). «رسم المصحف» که یکی از دانش‌های پیچیده و دشوار علوم قرآنی است، عبارت است از: «نگارش خاص کلمات قرآنی با اسلوب و قواعدی متمایز از رسم الخط عربی معمول» (تفکری، ۷۶). در واقع؛ «رسم المصحف؛ آیین نگارش و آداب کتابت قرآن را از طریق روایت بررسی می‌کند. یعنی کتابت مستند به روایت است و معلمان و مقریان، صورت نوشتاری قرآن را نیز روایت می‌کنند» (سزگین، ۳۵/۱).

۳-۵. تفاوت رسم المصحف با رسم الإملاء

مسلمانان از همان ابتدا دقّت بسیاری نمودند که غیر از قرآن چیزی بدان راه نیابد. آن‌ها این ویژگی را تا زمان حاضر نیز حفظ نموده‌اند. یعنی قرآنی را که صحابه نوشته بودند، با همان ویژگی‌ها حفظ کردند. در زمان پیامبر(ص) تا سال‌های متتمادی رسم الإملاء عربی با رسم المصحف مطابقت داشت. اما در گذر زمان رسم الخط عربی متحول گردید و تا امروز رو به پیشرفت نهاده است. از آنجا که رسم الخط عثمانی یکی از منابع اوّلیه برای رسم الخط عربی محسوب می‌شد و از طرفی رسم الخط جدید، مسیر متفاوتی را در پیش گرفت، امروزه شاهد تفاوت‌هایی در رسم الخط مصحف با رسم الخط عربی (رسم الإملاء) هستیم. در حقیقت رسم الخط عربی معمول تفاوت فراوانی با رسم الخط عربی متقدم دارد؛ از این‌رو رسم الخط اصیل قرآن، بی‌شک همان «رسم الخط عربی متقدم» است و باید در بررسی‌ها معیار قرار گیرد» (پاکتچی، ۲۰-۲۱).

آن‌چه که در این مقاله به عنوان تفاوت «رسم المصحف» با «رسم الإملاء» مذکور نگارنده است، مربوط به دو مبحث می‌شود که باید آن‌ها را با یکدیگر خلط نمود: ۱- تغییر

رسم‌الإملاء عربی که ناشی از پیشرفت کتابت بود و عدم تغییر رسم المصحف به علّت قداست ۲- وجود واژگان همسان با نگارش متفاوت در رسم المصحف و این دو تفاوت است که اندیشمندان مختلف را وادار نموده است که نظرات گوناگونی ارائه دهند.

۳-۶. ویژگی‌های رسم المصحف

به گفته برخی از محققان: «یکی از دلایل قطعی و تردیدناپذیر وجود تفاوت، میان رسم المصحف با رسم الخط املای، متأثر بودن خط کوفی از سایر خطوط است. به عنوان نمونه به جهت آن که خط کوفی از خط سریانی نشأت گرفته بود، تحت تأثیر آن خط، الف در وسط کلمه نوشته نمی‌شد. دلیل دیگر تفاوت در رسم المصحف با رسم‌الإملاء، عدم آشنایی و تسلط عرب به فنون خط و روش‌های کتابت، در آن زمان بوده است که جز تعداد کمی از آنان کتابت نمی‌دانستند و خطی را هم که این عددی اندک بدان می‌نوشتند، خطی ابتدایی و در حد پایین و اوّلیه بوده است. آثار باقی‌مانده از صدر اوّل، این موضوع را نشان می‌دهد» (ابن خلدون، ۴۳۸).

افزون بر مطلب بالا، یکی دیگر از مواردی که موجب شده است این نوع رسم متفاوت باشد، تأثیر پذیرفتن رسم المصحف از ویژگی‌های لهجه قریش است. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد در لهجه قریش «نبر؛ همزه» وجود نداشته است. قریشیان، قرآن را تقریباً بدون همزه قرائت می‌کردند و آثار این حذف در کتابت قرآن تو سط آنان آشکار است. علاوه بر آن، احادیثی نیز وجود دارد که این حقیقت را بازگو می‌نماید. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبَيَّتِهِ وَ إِيَّاكُمْ وَ النَّبَرَ فِيهِ يَعْنِي الْهُمْزُ» (صدوق، ۳۴۴؛ حر عاملی، ۲۲۰/۶). امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «الْهُمْزُ زِيَادَةٌ فِي الْقُرْآنِ» (ابن شعبه حرّانی، ۳۷۹؛ مجلسی، ۲۶۴/۷۵).

«كتاب قريشی قرآن، آنچه را به‌گوش می‌شنیدند، ضبط می‌کردند. بنابراین کلماتی چون «سَأَلَ، بَوْسَ وَ سُئِلَ» که در حجاز تقریباً به صورت «سآل، بوس و سیل» تلفظ می‌شد، را

به همین صورت اخیر نوشتند (البته بدون نقاط و اعراب و...). پس از چندی که قرآن از محدوده قبائل حجازی خارج شد و انتشاری همگانی یافت، مسلمانان غیر قریشی، آن را به لهجه خویش، یعنی با حفظ همزه به صورت حرف صامت کامل، قرائت کردند. یعنی مثلاً شکل‌های «جیت، سآل و بوس» را «جئت، سأل و بؤس» تلفظ کردند و همین تلفظ در همه‌جا رایج شد. اما کسی از علماء و خطشناسان و کتاب را یارای آن نبود که در نوشتة قرآن مقدّس تغییری ایجاد نماید؛ یعنی علائم مصوّت‌های بلند را برداشته و به جای آن شکلی که نمایش‌گر همزه باشد را قرار دهد و به همین جهت بود که از نقطه یاری گرفتند. اما می‌دانیم که در قرن‌های اول اسلام، نقطه‌هایی که در زیر و زیر حروف قرار می‌دادند نمایشگر حرکات بود لذا برای این‌که نقطه علامت همزه با نقطه‌های حرکات اشتباه نشود، آنرا به رنگ دیگری بر روی «ی، و،» قرار می‌دادند. این روش نقطه‌گذاری تا حدود قرن پنجم هجری نیز رواج داشت. از آن‌پس علامتی را که ظاهرًا از «ع» اقتباس شده به جای نقطه‌های رنگی قرار دادند که تا به امروز مورد استعمال است» (آذرنوش، ۱۴۳-۱۴۴).

مطلوبی که ارائه گردید مواردی بود که عامل این تفاوت در این دو نوع رسم الخط شده است. ابو عمرو دانی (۴۴۴ق) خصوصیات رسم الخط عثمانی را با جزئیات در کتاب خود موسوم به المقنع آورده است که همواره منبعی ارزشمند برای این علم است. سیوطی نیز قواعد رسم الخط عثمانی را در شش بند ذیل معرفی کرده است (سیوطی، ۵۳۵/۲).

۱ - حذف؛ «یاء» از نداء حذف شده است. همانند: (یأيَهَا النَّاسُ)، (یأَدَمَ)، (یِرَبَ)، (یعَادِي) و

- ۲ - زیاده؛ «الف» در بین «جیم» و «یاء» افزوده شده است. همانند: (جِائِيَهَا النَّاسُ)(الفجر، ۲۳) و ...
- ۳ - بدل؛ «تاء» گرد (مقطوعه) در برخی از موقعه به «تاء» مفتوحه بدل شده است. همانند (نعمت) (المائدہ، ۱۱) و ...
- ۴ - وصل و فصل؛ «كُلّما» در همه‌جا متصل نوشته شده است مگر در (كُلَّ ما) (النساء، ۹۱؛ المؤمنون، ۴۴) و ...

۵- آنچه دو قرائت در آن هست و مطابق یکی از آن دو نگارش شده است؛ (ملک)
(الحمد، ۴) و ...

۶- همزه؛ اگر ما قبل آن ساکن باشد حرف آن حذف می‌گردد، مانند: «یسّئل» (البقره، ۱۸۹) و «لا تجأروا» (المؤمنون، ۶۵) مگر «النّشأة» و «موئلًا» در سوره الکهف و ...

۷-۳. علت وجود تفاوت‌ها در رسم المصحف

همان طور که بیان شد، دو نوع تفاوت در رسم المصحف با رسم الإملاء عربی وجود دارد.

۱- یکی از این تفاوت‌ها مربوط به پیشرفت رسم الخط عربی و تغیر آن می‌باشد که رسم المصحف، در گذر زمان تغییر نکرد و فقط علائم نگارشی (إعراب و إعجام) به آن افزوده شد. این نوع رسم الخط که متأثر از خط کوفی کهن می‌باشد دارای یکسری قواعد است که قاری قرآن می‌بایست ابتدا مقداری با آن‌ها آشنایی پیدا کند و سپس اقدام به قرائت قرآن نماید. همانند «بیتئم / یا بن ام»، «رحمن / رحمان»، «كتب / کتاب»، «یادم / یا آدم» و

۲- تفاوت بعدی وجود واژگان مشابه با رسم الخط متفاوت است «مانند کلمه کتاب که در برخی از آیات به صورت الكِتاب و در برخی دیگر از آیات به صورت الكتاب نوشته شده است». دانشمندان برای توجیه این نوع تفاوت دو نظریه ارائه داده‌اند:

۱-۲. برخی از علماء این تفاوت‌ها را ناشی از غلط‌های املائی می‌دانند که توسعه کاتبان وحی در مصحف نگاشته شد. محمد هادی معرفت معتقد است: «رسم الخط مصحف عثمانی، برخلاف مصطلحات عمومی است و دارای غلط‌های املائی فراوان و تناقض‌های بسیار، در نحوه نوشتگری کلمات می‌باشد؛ به طوری که اگر قرآن از طریق سماع و تواتر در قرائت ضبط نمی‌شد و مسلمانان این روش را از پیشینیان خود به ارث نمی‌گرفتند و با دقت و توجه تمام به حفظ آن نمی‌کوشیدند، قرائت صحیح بسیاری از کلمات، محال بود» (معرفت، ۱۲۳).

۲-۲. برخی دیگر معتقدند که: «در تحقیقات جدیدی که توسعه باستان‌شناسان صورت گرفته، مشخص شده است که دلیل اختلافات موجود در خط مصحف، وجود یک سری سنت‌ها و چارچوب‌های املائی بوده که در خط‌های سایر بلاد وجود داشتند و وارد خط قرآن شد که در آن‌ها، نگارش متفاوت واژگان همسان، جایز بوده است. ادله این گروه، سنگ‌نوشته‌ها و خطوط به جای مانده از زمان قبل از پیامبر(ص) است که تفاوت رسم الخطی واژگان همسان در آن وجود دارد». از جمله این افراد می‌توان به غانم قدوری حمد (۳۴-۴۱) و احمد پاکتچی (۱۹) اشاره کرد.

۴- دیدگاه‌های مختلف درخصوص رسم المصحف

رسم الخط کنونی قرآن و به عبارت دیگر «رسم المصحف» و یا «رسم العثمان»، مشکلات فراوانی را در امر قرائت بهویژه برای مبتدیان ایجاد کرده است. مثلاً زمانی که قاری قرآن به کلمه «الرّحمن» می‌رسد متحیر می‌ماند آن را به چه صورت بخواند، چون حرف الف را بعد از میم مشاهده نمی‌کند؛ (حذف). یا در کلمه «اوئلک»، طبق آموزه خود، واو را بعد از همزه تلفظ می‌کند، با اینکه قرائت صحیح به او رخصت چنین کاری را نمی‌دهد، و علاوه بر این بعد از لام نیز حرف الف دیده نمی‌شود، و مشکل دو چندان می‌گردد؛ (اضافه و حذف). بدین‌سان در کلمه «مائة» (النور، ۲) ناگریز باید طبق رسم قیاسی الف را اظهار و تلفظ کند با اینکه نباید آن را به تلفظ در آورد؛ (زيادت) با وجود این ویژگی‌ها؛ برخی از اندیشمندان معتقدند که این نوع متن به دلیل اضطرابی که دارد معتبر نیست برخی دیگر نیز بر این عقیده هستند که این اختلافات ناشی از تفاوت در رسم الخط عربی در گذر زمان است و بدون اینکه خدشهای در ساحت قرآن وارد بدانند می‌گویند بهتر است قرآنی بر اساس اصول رسم الإملاء نگارش شود تا قرائت آن برای سایرین راحت باشد. برخی دیگر نیز معتقدند که این نوع رسم المصحف توقیفی بوده و هرگونه تغییر در آن حرام است. برخی دیگر نیز پا را از این هم فراتر نهاده و معتقدند که این نوع رسم الخط معجزه است. البته

برخی هم همچون رؤوف شلبی در این امر سکوت کرده‌اند و می‌گویند نمی‌شود در این باره اظهار نظر کرد. در ادامه طرفداران هریک از این نظرات را معرفی می‌کنیم و به نقد و بررسی دلائل آن‌ها می‌پردازیم.

۴-۱. مضطرب بودن رسم المصحف

در بین مسلمانان هیچ کس معتقد به مضطرب و نامعتبر بودن متن قرآن نیست و افراد محدودی هم که در طول تاریخ مطالبی را درخصوص تحریف به زیاده و نقصان در قرآن نوشته‌اند، به علت اعتقادات کلامی و... بوده است ولی در راستای ویژگی‌های رسم المصحف هیچ کدام از مسلمانان حجّیت الفاظ قرآن را خدشه‌دار نکرده است و لذا افرادی هم که معتقد به تغییر در رسم المصحف هستند در عین اعتقاد به نزاهت قرآن آن را مربوط به ویژگی‌های خط عربی در گذر زمان می‌دانند.

۴-۱-۱. موافقان این دیدگاه

طرفداران این دیدگاه فقط برخی از مستشرقین می‌باشند. در قرن‌های اخیر مطالعات مستشرقین بر روی متون اسلامی رو به فرونشی نهاده است. در رأس این مطالعات قرآن قرار دارد زیرا با از بین بردن قداست و حجّیت قرآن در حقیقت حجّیت اسلام از بین رفته است. برخی از مستشرقان که با انگیزه‌های مختلف؛ پژوهشی، تبشيری - تبلیغی، استعماری و... بر روی میراث مکتوب مسلمانان مطالعه می‌کنند بدنبال اثبات معارضه پذیر بودن و تحریف قرآن هستند که بدنبال آن عدم وحیانی بودن قرآن را اثبات کنند. این مطالعات که در مباحث مختلف علوم قرآنی صورت پذیرفته است در مورد رسم الخط قرآن و یا همان رسم المصحف نیز شبھاتی را بدنبال داشته است.

۱- نولدکه معتقد است «عثمان به دنبال دفع اختلافات قرآن و متن آن است اما دیگران در مورد این اختلافات سهل‌انگاری می‌کنند و مانع از زدودن آن می‌شوند» (نولدکه، ۵۴۶) و

در نهایت می‌گوید «قرآن متن واحد و معتبری ندارد و باید چنین متنی را برای آن ایجاد کنیم» (همانجا).

۲- گلذبیه می‌نویسد: «قرآن به جهت تعدد قرائات، نصّ واحدی ندارد و هیچ کتابی از جهت اضطراب نصّ همانند قرآن نیست، هیچ کتاب قانونگذاری یافت نمی‌شود که جمعی معتقد باشند آن نصّ وحی الهی و از قدیمی‌ترین نصوص است و حال آن‌که نصّ آن مضطرب و نایایدار باشد آن‌چنان که این اضطراب و نایایداری درمورد قرآن یافت می‌شود» (گلذبیه، ۴).

۳- لوگزنبیرگ نیز می‌نویسد: «قرآن به زبان عربی نوشته نشده است بلکه به زبانی مخلوط از عربی - آرامی است که در زمان پیامبر(ص) در مکه رایج بوده، چون مکه در اصل منطقه‌ای آرامی بوده است. این زبان مختلط (عربی و آرامی) از آغاز با خطی ناقص بیان می‌شده یعنی بدون إعراب و بدون نقطه و سیستم نقطه‌گذاری را بعداً برای تمایز حروف ابداء کرده‌اند. (لوگزنبیرگ، ۲۹۹).

۴-۱. دلایل این گروه

نولدکه می‌نویسد «تا قرن چهارم، حروفی که در مصاحف به کار می‌رفت با حروف رائج عربی «حروف کوفی» فرق داشت، یعنی درواقع مصاحف به خط ابتدایی کتابت می‌شد (نولدکه، ۶۷۹)، این شبیه همان نظری است که لوگزنبیرگ دارد. بلاشر نیز می‌نویسد: «برای پاره‌ای از مؤمنان به واقع این کلمات قرآن نبود که اهمیت داشت، بلکه مهم توجه به روح آن و معنای آن بود. از آن موقع به بعد اگر کلماتی تنها مترادف بودند و اختلاف دیگری نداشتند انتخاب آن‌ها یکسان و مساوی بود بنابراین نظریه «از حفظ خواندن بر حسب معنا» در حقیقت بسیار خطناک بود زیرا رواج قرآن را به میل و هوس افراد واگذار می‌کرد» (بلاشر، ۸۶-۷۷).

این افراد و برخی دیگر از مستشرقین با انگیزه‌های مختلف بدنبال از بین بردن حجّیت قرآن هستند. مطالعات آن‌ها با توجه به پیش‌فرض خاص، منابع محدود، روش تحقیق ویژه

و... قابل نقد و تامل جدی است. به عنوان نمونه می‌توان گفت که تقریباً همه مستشرقین معتقدند قرآن بعد از رحلت حضرت محمد(ص) نوشته شده است (نولدکه، ۲۴۰) از طرفی با ایراداتی که بر خط عربی در زمان پیامبر(ص) وارد می‌کنند بدبانی از بین بردن اعتبار نگارش متن قرآن هستند. دلیل دیگری که این گروه از مستشرقان بر پایه آن چنین نتیجه‌ای گرفته‌اند؛ ارتباط متن قرآن و قرائات مختلف است ولذا با خدشه وارد کردن به قرائات مختلف، متن قرآن را نیز خدشه‌دار می‌کنند. نولدکه می‌نویسد: «بین متن قرآن و قرائات مختلف ارتباط حقیقی وجود دارد» (نولدکه، ۵۷۳).

۴-۱-۳. نقد و بررسی

حقیقتی که این دسته از مستشرقان آن را نادیده گرفته‌اند این است که آن‌چه موجب شده است قرآن سینه به سینه نقل شود انتقال از حافظه‌ها بوده است نه انتقال از مصاحف و کتاب‌ها، زیرا قرآن آن چیزی است که خوانده می‌شود نه آن چیزی که نوشته می‌شود. به عبارت دیگر اگر در زمان نزول قرآن ضبط صوتی وجود داشت و صدای پیامبر(ص) ضبط می‌شد شاید تا کنون هیچ کس به خود جرئت نوشتن قرآن را نمی‌داد مگر اینکه خود پیامبر(ص) دستور به نگارش نیز می‌داد. از طرفی قرائت قرآن پیش از تدوین قرآن‌های عثمانی وجود داشته است و بنای قاریان بر قرائت‌ها، کتابت نبوده بلکه روایت بوده است. این حقیقت را برخی از دانشمندان با عبارت «القرآن و القراءات حقيقة متغيرتان» (خوئی، ۱۵۸) بیان کرده‌اند.

نولدکه و لوگزنبرگ درخصوص ناقص بودن خط زمان نزول قرآن و تفاوت آن با خط کوفی هیچگونه سندی ارائه نداده و صرفاً یک ادعا کرده‌اند، این در حالی است که بیشتر دانشمندان معتقدند که قرآن در ابتدا به خطی نگارش می‌شد که بعداً به خط کوفی مشهور گشت (عبدالجبوری، ۷۴ و ۱۴۱). عبدالفتاح عباده می‌گوید قرآن از زمان خلفای راشدین تا اواسط دوره اسلامی به خط کوفی نوشته می‌شد (عباده، ۱۴). یوهان فک در این زمینه

می‌نویسد: «این ساختارها چون غلط‌های رایج در زبان عربی نبوده و خارج از ضوابط زبان عربی نیست» (یوهان فک، ۶). حتی رژی بلاشر نیز معتقد است «با وجود این‌ها، درباره این ناهماهنگی‌ها زیاده‌روی نکنیم، این ناموزونی‌ها اصولی نبوده و در معنای متن نیز تغییری نمی‌دهند. اهمیت آن در واقع بر این حقیقت متکی است که این ناهماهنگی‌ها در آن واحد دقیقی را می‌رساند که برای تدوین مصحف عثمانی به کار رفته، حتی وقتی هم که املایی غلط بنظر می‌آمد، از روی علاوه‌هایی که به حفظ متن نازل شده بود، کلمه بر همان صورت قدیمی‌اش حفظ شده تا احترامش همچنان محفوظ بماند» (بلاشر، ۱۹۱).

مهمنترین نقدی که می‌توان بر این دسته از افراد وارد کرد تاریخچه بحث رسم‌الخط قرآن است. این تاریخچه آنقدر قوی است که هر انسان غیر متعصّبی را متقاعد می‌کند که متن قرآن هیچگونه اضطرابی ندارد.

در زمان نزول قرآن کاتبان وحی وظیفه نگارش قرآن را بر عهده داشته‌اند و لذا بر اساس همان قواعد رسم‌الخطی که در آن زمان مرسوم بود قرآن را می‌نوشتند و هیچ گزارش تاریخی وجود ندارد که بگوید صحابه‌ای که جزء کاتبان وحی بودند نگارش خاصی را تعلیم دیده بودند و موظّف به نگارش براساس آن بودند. از طرفی براساس گزارش‌های تاریخی افراد مختلفی به نگارش قرآن می‌پرداختند و سایرین نیز ناظر بر آن‌ها بودند لذا همه این افراد از یک نوع آیین رسم‌الخط تبعیت می‌کردند. در همان اوایل نزول قرآن افراد زیادی از اعراب فصیح و حتی از یهودیان و... قصد داشتند که ایراداتی را بر قرآن وارد نمایند اما هیچ گزارشی وجود ندارد که حتی یک نفر از آن‌ها ایراداتی را که امروزه بر رسم‌الصحف می‌گیرند، وارد کرده باشدند و این مسئله سال‌های متعددی وجود داشته است و همگان از هماوردی با قرآن و حتی از همانند آوری با آن عاجز شده بودند.

توجه به این تاریخچه و مطالعه آثار دانشمندان مسلمان درخصوص قرآن و علوم قرآنی انسان را از ایراد گرفتن بر متن قرآن بی‌نیاز می‌کند و این همان مسئله‌ای است که اغلب مستشرقین به علت کمبود در منابع مطالعاتی گرفتار خطای استدلالی و استنباطی می‌شوند.

خلاصه آنچه گذشت را می‌توان در کتاب‌های برخی از دانشمندان پیگیری کرد. به عنوان نمونه:

- ۱- زمخشری می‌نویسد: «کسانی که چنین ادعایی می‌کنند با سنن کلام عربی و گونه‌های نصب بر اختصاص آشنا نیستند و نمی‌دانند که دشمنان اسلام اگر خطایی می‌دیدند دست از طعن و عیب‌جویی برنمی‌داشتند» (زمخشری، ۵۹۰/۱).
- ۲- طبرسی نیز می‌نویسد: «اگر چنین بود صحابه که اسوه امّت بودند آن را به لفظ غلط به مردم یاد نمی‌دادند» (طبرسی، ۳۰۳/۱).
- ۳- آیت الله خویی می‌نویسد: «اگر در قرآن کوچک‌ترین مخالفت با قواعد عربی دیده می‌شد، همان افراد بليغ که بر اسلوب لغت عرب و مزایای آن بيشتر از ديگران واقف و با اطلاع بودند، روی همان نقطه کوچک انگشت اشکال و ايراد می‌نهادند و آن را عليه قرآن، دليل می‌گرفتند و در ميدان مبارزه با قرآن پيروز می‌گردیدند و خود را از مبارزه با زبان و شمشير راحت می‌نمودند و اگر يك چنین عملی انجام می‌شد، مسلمان تاریخ برای ما ثبت و حفظ می‌کرد و حد اقل در میان دشمنان اسلام زبان به زبان نقل می‌شد. در صورتی که از چنین جرياني، هیچ اثری در تاریخ و در میان دوست و دشمن دیده نمی‌شود» (البيان، ۱۲۳).
- ۴- رامييار می‌نویسد: «معارضان قرآن خود از افراد بليغ و آشنا به قواعد عربی بوده‌اند در صورت صحّت شبّهات فوق آن‌ها خودشان به آن‌ها اشاره می‌نمودند بنابراین نمی‌توان ادعای ناهمخوانی آیات قرآن با قواعد عربی را مستدل نمود» (تاریخ قرآن، ۴۴۹).

۴-۲. اجتهادی بودن رسم المصحف

برخلاف دسته اول که متن قرآن را مضطرب و غير قابل اعتماد می‌پنداشت و تنها از مستشرقان می‌باشد، دسته دوم و سوم اغلب از مسلمانان هستند. تمامی مسلمانان در طول تاریخ با دید تکریم و احترام به قرآن می‌نگریستند. دسته دوم افرادی هستند که معتقدند رسم المصحف توقيفي نبوده و براساس اجتهاد صحابه و نوع خاص رسم الخط عربی در زمان نزول قرآن بوده است. يعني تمامی ويژگی‌هایی که در خط عربی در زمان نزول قرآن

وجود داشته است در نگارش قرآن راه یافته است و لذا اگر نقطه‌نظراتی درمورد نوع خاص رسم الخط قرآن کریم دارند آن را توسعه نداده و این اختلافات را فقط مرتبط به ویژگی‌های رسم الخط عربی می‌دانند. البته این مطابقت با رسم الخط زمان نزول قرآن زمانی می‌تواند اجتهادی باشد که با دخالت مستقیم پیامبر(ص) مبنی بر نگارش به صورت خاصی نباشد که در این صورت رسم المصحف توقیفی می‌شود، هرچند که مطابق رسم الخط عربی آن زمان باشد. «بسیاری از علماء اهل سنت معتقدند که کتاب وحی از قواعد رسم الخط زمان خود پیروی می‌کرده‌اند. یعنی آن‌ها از اصول کتابت پیروی می‌کرده‌اند نه از تعالیم پیامبر(ص)» (فراء، ۴۳۹/۲؛ ابن قتیبه، ۵۷).

این افراد خود به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند؛ دسته اول کسانی هستند که موافق تغییر رسم المصحف (یعنی قرآن کنونی که با ویژگی‌های خاص نگارشی رسم الخط عربی قدیم نوشته شده است) براساس رسم الإملاء امروزه عربی هستند و دسته دوم افرادی هستند که با وجود علم به توقیفی نبودن رسم المصحف معتقدند نباید نگارش قرآن کنونی را تغییر داد. با توجه به اینکه این دسته از افراد در ادامه پذیرش این رأی دلایل خود را نیز ذکر کرده‌اند قسمت جدگانه‌ای را برای ارائه دلایل آن‌ها در نظر نگرفتیم.

۴-۲-۱. موافقان تغییر رسم المصحف

۱- غانم غدوری حمد در کتاب رسم الخط مصحف سلطان العلماء عزّ بن عبدالسلام (متوفی ۶۶۰ ه) را اوّلین نفری می‌داند که بر این عقیده بوده است، او می‌نویسد: «او در میان علمای گذشته، در این عقیده متفرد است که کتابت مصحف مطابق با هجای متعارف در میان مردم جایز است بلکه او این کار را واجب می‌داند تا از سوی جاهلان در قرآن تغییری داده نشود. زرکشی این عقیده او را در کتاب «البرهان» آورده و می‌گوید: «شیخ عزّ الدین بن عبدالسلام گفته است: کتابت مصحف در حال کنونی مطابق با رسم اولیه که پیشوایان فن گفته‌اند، جایز نیست و این بدان جهت است که قرآن دچار تغییر از سوی جاهلان نباشد»

(قدوری حمد، ۱۸۱). اما بنظر می‌رسد این قتبیه و قاضی ابوبکر باقلانی جزء اولین نفراتی هستند که می‌توان آن‌ها را در این دسته قرار داد.

۲- ابن قتبیه (۳۰۳ق) می‌نویسد: «اگر نبود که مردم به این سه حرف (الصلوٰة، الزکوٰة و الحیٰة) عادت کرده‌اند و نمی‌توان با آن مخالفت نمود، بهترین چیز نزد من این بود که همهٔ این‌ها را با الف بنویسند. وی «علّت پیروی از رسم عثمانی را فقط جهت تبیّن می‌داند» (ابن قتبیه، ۴۱-۴۰).

۳- قاضی محمد بن الطیب ابو بکر باقلانی (متوفی ۴۰۳ه) در این زمینه در کتاب خود الانتصار می‌نویسد: خداوند شکل و نحوهٔ خاصی از کتابت و نوشتن را بر مردم واجب نکرده است و برای نوشتن قرآن و نویسنده‌گان مصاحف، رسم الخط خاصی معین نشده که موظف باشد بر طبق آن قرآن را ثبت کنند و از رسمی جز آن بپرهیزنند؛ زیرا وجوب این موضوع منوط به وجود مدرک و مأخذ است و در نصوص کتاب به مفهوم آن اشاره‌ای نشده است که باید کتابت، ثبت و ضبط قرآن به طریقه‌ای خاص و با خطی معین انجام گیرد و از آن تجاوز نشود. همچنین در سنت، چنین مطلبی وجود ندارد و اجماع امت نیز این امر را واجب نشمرده و قیاسات شرعی نیز بر چنین موضوعی دلالت ندارد. بلکه سنت دال بر آن است که قرآن را می‌توان به هر شکلی که آسان‌تر باشد، نوشت؛ زیرا پیامبر (ص) فقط به کتابت قرآن امر کرد و هیچ طریقهٔ خاص و رسم الخط معینی را برای نوشتن آن، معین نکرد و هیچ‌کس را از کتابت آن، نهی نفرمود و از همین رو خطوط مصحفها مختلف است و هر گروهی با روشی که بین خود آنان مصطلح و متداول بوده است، قرآن را نوشتند و از این‌رو می‌توان، خط آن را با حروف کوفی و خط اولیه نوشت، لام را به صورت کاف و الفها را کج نگاشت و می‌توان آن را به شکلی دیگر، حتی با خط و روش قدیم و یا با خط جدید و یا روشی میانه، کتابت کرد. خلاصه هرکس مدعی است که برای کتابت قرآن باید رسم الخط معینی را به کار برد ناگزیر از اقامه دلیل است و این دلیل کجاست؟ (باقلانی، ۵۴۸/۲).

۴- ابن خلدون (۸۰۸ق) می‌نویسد: بعضی از افراد ناآگاه گمان کرده‌اند که صحابه

صنعت خط را به خوبی و به طور کامل می‌دانسته‌اند و برخی از نوشتۀ‌های آنان که مخالف قواعد است از روی حکمت و علتی بوده است. اینان در مورد زیادت الف در «لاآذحنّه» می‌گویند برای توجه به عدم وقوع ذبح است و در زیادت یا در «بأييد» معتقدند که به منظور جلب توجه بر کمال قدرت الهی است و از این قبیل مطالب، که هیچ اصلی ندارد جز رأی بدون دلیل شخصی که قابل توجه نیست (ابن خلدون، باب پنجم، ۴۱۹ و باب ششم، ۴۳۸).

۵- صبحی صالح نیز در این دسته قرار دارد. او می‌نویسد: «تردیدی نیست که این مطالب غلوّ و مبالغه‌ای است درباره رسم الخط مصحف عثمانی. از منطق دور است که رسم الخط را امری توقیفی و به امر پیامبر(ص) بدانیم و یا تصور کنیم که مشتمل بر اسراری است؛ همان‌طور که فوائح برخی از سور دارای اسرار است. هیچ موردی، برای مقایسه رسم الخط با حروف مقطعة اوایل سور که قرآن بودن آنها به تواتر ثابت است، وجود ندارد. اینها اصطلاحاتی است که نویسنده‌گان آن زمان، منظور کرده‌اند و عثمان نیز با این اصطلاحات، موافقت کرده است» (صالح، ۲۷۷). او در مورد مطالب باقلانی نیز می‌نویسد: «عقیده قاضی ابو بکر در زمینه مورد بحث، قابل قبول است. او دلایلی محکم و نظری دوراندیش دارد. عواطف و احساسات خود را در مورد بزرگداشت پیشینیان، بر دلیل و برهان، مقدم نشمرده و بین آن دو خلط نکرده است. آنان که رسم الخط قرآن را توقیفی و همیشگی می‌دانند گرفتار احساسات خود هستند و عواطف و مذاق شخصی خود را در این امر دخالت داده‌اند؛ در حالی که عواطف و ذوق‌های شخصی نسبی است و نباید آنها را در امور دینی دخالت داد؛ چه حقایق شرعی از ذوق و عاطفه استنباط نمی‌شود». (همانجا، ۲۷۹).

در میان شیعیان نیز برخی از علماء این عقیده را دارند؛ براساس فتوای که آقای عظیمی در سال ۱۳۸۷ شمسی از مراجع تقليید قم نموده‌اند، همگی بر عدم توقیفی بودن «رسم المصحف» اذعان نموده‌اند و تنها ملاک را بی‌غلط بودن قرآن می‌دانند.

۶- آیت الله صافی گلپایگانی؛ «املاء روز را مقدم بر رسم المصحف می‌دانند و دلیل آورده‌اند که رسم المصحف در بسیاری از موارد، سبب اشتباه و غلط خواندن می‌شود» .(<https://www.porseman.com>)

- ۷- آیت الله شیخ مجتبی تهرانی؛ «املاء روز را به خاطر سهولت در آموزش قرآن کریم و نیز تناسب بیشتر این شیوه نگارش با تلفظ حروف بهتر می داند» (<https://www.porseman.com>).
- ۸- آیت الله شبیری زنجانی؛ «انتخاب روش را بستگی به شرایط محل آموزش قرآن و شرایط دانش پژوهان می دارد» (<https://www.porseman.com>).
- ۹- آیت الله مکارم شیرازی؛ «املاء روز را بهتر می دانند و تفاوت ها (در رسم المصحف) را ناشی از اغلاط املائی کاتبان وحی پنداشته و راه علاج آن را تغییر رسم الخط قرآن بر می شمرند» (مکارم، ۵۵).
- ۱۰- آیت الله معرفت می نویسد: «همه محققان، تبدیل رسم الخط قدیم را به رسم الخط کنونی جایز می دانند زیرا رسم الخط پیشین با دستور پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه روش نویسنده‌گان آن روز بوده یا کتابت در مراحل بدوان بوده و از دقت لازم برخوردار نبوده است. اما امروز با پیشرفت روش‌های کتابت و تکمیل آن که خواندن را برای همگان آسان کرده است، چاره‌ای جز تغییر رسم الخط گذشته به رسم الخط کنونی که همه بدان آشنا هستند و قرآن را در دسترس عامه مردم قرار می دهد، نیست. این امر موجب تحقق بخشیدن به منظوری است که قرآن برای آن نازل شده و آن هدایت و راهنمایی همگان برای همیشه است» (معرفت، ۱۶۴-۱۶۵).
- ۱۱- آیت الله جوادی آملی در دیدار با جمعی از اعضای مرکز نشر و طبع قرآن کریم می فرماید: «این به معنی تعصب جامد است که ما یک غلط را نگه بداریم و نگوییم این غلط است و خودمان غلط‌پذیر باشیم. ایشان می فرماید: در آیه کریمة «أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ» (الأنفال، ۴۱) باید أَنْ ما نوشته شود نه «أَنَّمَا». ما باید بگوییم این غلط است (یک)، ما فعلاً با شما هماهنگیم (دو)، در جلسات علمی راه غلط بودن را ثابت کنیم (سه)، امیدواریم شما در آینده تغییر جهت بدھید (چهار)، با هم یک قرآن چاپ بکنیم (پنج) و این «أَنَّمَا» را بنویسیم «أَنْ ما» (شش). اگر بیاییم به جای حفظ وحدت، تعصب را به جای تحقیق بنشانیم و هیچ حرف نزنیم این نارواست. الان این قرآن اسیر دست این هاست. خب کدام محقق

هست که بین «آنما» و «آن ما» فرق نمی‌گذارد. ما از این موارد خیلی داریم. ما یک «کلما» داریم و یک «کل ما» این‌ها خیلی با هم فرق دارند. بنابراین ما باید چکار کنیم؟ یکی این‌که قرآن ما همین است، یکی این‌که چون از سابق، خط کوفی یک نحو دیگر بود اشتباه نمی‌کردند ولی الان اشتباه است؛ ما باید این را درست بنویسیم طوری باشد که معنا عوض نشود و گرنه اسرار و جمود بر رسم الخط فعلی بیش از یک تعصّب نیست. ایشان در پایان می‌فرمایند: کتابت به رسم المصحف قطعاً جایز است و بسیاری از علماء گفته‌اند واجب است و احتیاط هم انتضاء می‌کند که در جهان اسلام شق اعضاي مسلمین نکنیم و مخالف با دیگران چیزی ننویسیم، بسیاری از علمای مصری، قرآن چاپ جمهوری اسلامی را دیدند و با وجود این‌که از نظر رسم با قرآن‌های خودشان متفاوت بوده، گفتند اگر براساس مراجع رسم، نوشته شده باشد، از نظر ما هم درست است» (به نقل از: <http://portal.esra.ir>).

۴-۲. مخالفان تغییر رسم المصحف

برخی از علماء مخالف تغییر در رسم المصحف هستند و معتقد‌ند که این نوع رسم الخط باید حفظ شود. در این مقاله ما این گروه را از گروه موافقان توقیفی بودن رسم المصحف جدا نمودیم، همان‌گونه که مخالفان توقیفی بودن آن را نیز از این‌ها جدا نموده‌ایم. زیرا برخی از این افراد به دلایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... همچون؛ حفظ وحدت بین مسلمانان، اعتبار مصاحف کشور خود، وجود یک مصحف مشترک در دنیا، از بین بردن دست‌بردهای بیشتر در قرآن، دوری از نسبت دادن اعتقاد به تحریف توسعه دیگر فرقه‌ها و... مخالف تغییر در رسم المصحف هستند نه توقیفی بودن آن. این گروه عبارتند از:

۱- امام خمینی: «احوط آن است که از آن‌چه در ثبت و ضبط قرآن کنونی در دست مسلمانان است تخلّف نشود» (خمینی، ۱۵۲/۱).

۲- آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «مسئله رسم الخط نیز بسیار مهم است ... کیفیت نگارش کلماتی که مقرئین قدیمی ذکر کرده‌اند و معین کرده‌اند که این طور نوشته شود، مثلاً ابراهیم یا

ملک؛ یعنی الف را محدود می دانستند، این ها را باید رعایت کرد. در گذشته رعایت نمی کردند... برخلاف مصحف است عوض کردن آن ها. پس باید رعایت شود» (در دیدار با اعضای شورای دارالقرآن کریم سازمان تبلیغات اسلامی در تاریخ ۱۳۷۰/۰۶/۱۱).

۳- مرحوم مصطفی خمینی نوشته است: «در امری مانند قرآن در حفظ آن چه که از قدمای به ما رسیده است، باید جانب تشدید را رعایت نموده تا مبادا در آن تحریفی صورت گیرد» (مصطفی خمینی، ۴۵۳).

۴- «کارشناسان مرکز طبع و نشر قرآن کریم معتقدند: اگر قرار باشد هر کشوری نگارش قرآن کریم را با این استدلال که برای مردم قابل فهم و آسان تر است، تغییر دهد، به هیچ وجه به صلاح نیست و موجب مخدوش شدن این گنجینه عظم گذشتگان خواهد شد. کتابت قرآن کریم به روش رسم المصحف، میراثی است که از گذشتگان به دست ما رسیده و از این رو، پاس داشتن این میراث قدیمی امری ضروری است. از آنجا که اهل سنت بهشدت نسبت به کتابت قرآن کریم به شیوه رسم المصحف حساسیت دارند، اگر شیعیان برخلاف این مسئله قرآن را نگارش کنند، خود را در معرض تهمت تحریف قرآن قرار داده اند. باید درنظر داشت که دلیل تأکید مرکز طبع و نشر قرآن مبنی بر نگارش قرآن به شیوه رسم المصحف، توقیفی بودن آن نیست؛ بلکه به دلیل مصالح جهان اسلام، لازم است کتابت کلمات یکسان باشد. همچنین با در نظر گرفتن برخی مسائل علمی و تخصصی، اگر ما نیز رسم المصحف را در کتابت قرآن رعایت کنیم، این امر موجب می شود، قرآن های چاپ ایران اعتبار جهانی پیدا کند و از طرفی کتابت قرآن بر اساس رسم المصحف باعث می شود که کلمات، قرائت های مختلف را اصطلاحاً تحمل کنند» (<http://www.teh-aliebneabitaleb.ir>). آن ها طی نامه ای به شماره ۱۰۸۴۵-۴-۴۹۹ در مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۳۰ به اعضای خود رعایت قواعد «رسم المصحف» را الزامی دانسته اند» (<https://www.porseman.com>).

۵- از دانشمندان اهل سنت، افرادی که مخالف تغییر رسم المصحف هستند، اغلب به توقیفی بودن آن معتقدند. مگر این که از برخی از نوشتنهای آن ها غیر از این فهمیده شود.

به عنوان نمونه سیوطی با سند خود از ابن اشته نقل می‌کند؛ هنگامی که عبدالاعلی بن عبید الله بن عامر قرشی از نگارش قرآن فارق شدند آن را نزد عثمان آوردند سپس عثمان نگاهی به مصحف کرد و گفت: «أحسنتم و أجملتم، أرى شيئاً سنقيمه بأسنتنا» (سیوطی، ۱۵۵۲). این به معنای آن است که عثمان برخی از اشتباهات را در مصحف دید و دستور نداد که آن‌ها را برطرف نمایند، بلکه گفت عرب آن را با زبانش صحیح قرائت می‌کند. از این عبارت نمی‌توان توقیفی بودن رسم‌المصحف را برداشت نمود و شاید علت اصلاح نکردن آن، کمبود زمان، نبود وسائل نگارشی، نبود پوست و... باشد و به همین دلیل این عقیده در بین اکثر متقدمین وجود دارد. با اینکه مطلبی دال بر توقیفی بودن رسم‌المصحف در خلال جملات آن‌ها یافت نمی‌شود اما همگی معتقد به عدم تغییر آن هستند. این گروه غالب افرادی هستند که در قرن‌های اویلیه اسلام زندگی می‌کرده‌اند و به علت اینکه رسم‌الخط قرآن کریم با رسم‌الخط عربی زمان خودشان تفاوت چشم‌گیری نداشته است دلیلی بر توقیفی بودن آن نمی‌دیده‌اند و اعتقاد به توقیفی بودن رسم‌المصحف در قرن‌های بوجود آمد که اختلافاتی بین رسم‌المصحف و رسم‌الخط عربی به چشم می‌آمد و این افراد برای دور کردن شباهت از چهره قرآن معتقد به توقیفی بودن متن آن شدند.

۶- ابوحنیفه (۱۵۰ق) معتقد است: «سزاوار است که مصحف، جز به رسم عثمانی نوشته نشود» (صادق الرافعی، ۱/۴۲).

۷- دانی درباره فتوای مالک بن انس (م ۱۷۹ق) درمورد رسم‌المصحف چنین می‌گوید: «از امام مالک درباره کسی که بخواهد در این زمان مصحفی بنویسد سؤال شد که آیا جایز است مطابق با حروفی که مردم در این زمان آن را ایجاد کرده‌اند بنویسن؟ وی پاسخ داد: من آن را جایز نمی‌دانم مگر این که براساس رسم‌الخط نخستین [زمان صحابه] نوشته شود» (دانی، ۹).

۸- شافعی (۲۰۴ق) نیز گفته است: «كلمة «ربا» با واو نوشته می‌شود، چنان‌که در رسم عثمانی آمده و در قرآن با یاء و الف نوشته نمی‌شود زیرا این روش سنت متبوعه‌ای است»

(سیوطی، ۷۶).

۹- احمد بن حنبل (۲۴۱ق) هم فتوا داده است: «مخالفت با مصحف امام حتی در یک واو، یاء، الف و مانند آن حرام است» (زرکشی، ۳۷۹/۱).

۱۰- جعفری نیز در شرح عقیله در خصوص عدم تغییر رسم المصحف گفته است: «این مذهب ائمه چهارگانه است» (نک: احمد بن مبارک: الابریز، ط ۱، مطبوعه ازهربه مصر، ۱۴۶).

۱۱- قال طبری (۳۱۰ق): «لیس لأحدٍ خلاف رسوم مصاحف المسلمين» (طبری، ۱۱۲/۱).

۱۲- ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (۴۵۸ق) در شعب الایمان چنین می‌نویسد: «کسانی که مصحفی را می‌نویسند، سزاوار است که بر هجایی که مصحف را با آن نوشته‌اند محافظت کنند و با پیشینیان مخالفت ننمایند و چیزی از آن را تغییر ندهند، چون آن‌ها در مقایسه با ما علم افرون تر و قلب و زبان صادق تر و امانتداری بیشتری داشتند؛ بنابراین نباید بر خود این گمان را ببریم که اشتباهات آنان را تصحیح کنیم» (قدوری حمد، ۱۸۰). از این جمله بیهقی، فهمیده می‌شود که صحابه اشتباه املائی داشته‌اند نه این‌که رسم المصحف توقيفی باشد، زیرا کلمه اشتباه با توقيفی بودن سازگار نیست.

۴-۳. توقيفی بودن رسم المصحف

در مقابل دو دسته قبلی، دسته سوم افرادی هستند که معتقد به توقيفی بودن رسم المصحف هستند. طرفداران این نظریه به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول افرادی هستند که صرفاً معتقد به توقيفی بودن رسم المصحف هستند اما دسته دوم افرادی هستند که علاوه بر توقيفی بودن رسم المصحف می‌گویند این نوع رسم الخط معجزه می‌باشد. هر یک از این افراد برای ادعای خود دلایلی آورده‌اند که در ذیل هر قسمت به آن‌ها پرداخته می‌شود اما نقد و بررسی نظرات آن‌ها را در پایان این بخش قرار می‌دهیم زیرا عدم اعتقاد به توقيفی بودن رسم المصحف اعتقاد به معجزه بودن آن را نیز از بین می‌برد.

۴-۳. موافقان این دیدگاه

همان طور که اشاره شد در بین دانشمندان اهل سنت، افرادی که مخالف تغییر رسم المصحف هستند غالباً آن را توقیفی می‌دانند. زرقانی در مناهل العرفان، در مورد توقیفی بودن رسم المصحف از سوی علماء ادعای اجماع می‌کند: «نسب هذا القول في بعض كتب علوم القرآن و كتب الرسم المتأخرة لجمهور العلماء» (زرقانی، ۳۴۶/۱). اما به صورت موردي می‌توان به افراد ذیل اشاره نمود.

- زمخشri در کشاف نوشته است: در مورد رسم لام جرّ به صورت جداگانه در آیه: «وَقَالُوا مَا لِهٗذَا الرَّسُولِ يَا كُلُّ الطَّعَامِ» (الفرقان، ۷) می‌گوید: لام در مصحف جدا از (هذا) نوشته شده و این خارج از قاعده عربی است ولی خط مصحف سنت است و تغییر داده نمی‌شود (زمخشri، ۲۰۹/۳).

- لبیب در الدرة العقلیه در صفحه ۳۰ نوشته است: کاری را که یکی از اصحاب انجام داده بر ماست که آن را اخذ کنیم و به فعل او اقتدا نماییم و از امر او پیروی کنیم در حالی که وقتی کاتبان مصاحف آنها را می‌نوشتند دوازده هزار نفر از اصحاب بر آنها نظارت داشتند (نک: قدوری حمد، ۱۸۱).

- ابن درستویه در مقدمه کتاب «الكتاب» می‌گوید: «كتاب خدا را دیدیم که هجای آن قابل مقایسه نیست و نمی‌توان با خط آن مخالفت کرد و باید آنچه که در مصحف آمده پذیرفت» (همانجا، ۱۷۹).

- محمد طاهر کردی در مورد رسم المصحف می‌نویسد: «رسم الخط مصحف، سری از اسرار است که هیچ‌کس از آن آگاه نیست» (کردی، ۱۶۲).

- از کلام ابو عمرو دانی (۱۰)، سیوطی (۱۶۸/۴)، مراکشی (۳۰)، مارغنى (۴۲)، حدّاد (۷۷)، حبیب الله شنقطي (۱۳) و... نیز همین مطلب فهمیده می‌شود.

- افرادی هم که معتقد به «إعجاز رسم المصحف» می‌باشند نیز می‌باشند قبل از آن به توقیفی بودنش معتقد شده باشند. افرادی همچون: دباغ، محمد شملول و... .

۴-۳-۱. ادله آنها

- ۱- استناد به آیات «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر، ۹) و «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ - لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت، ۴۱ و ۴۲). زیرا این آیات دلالت می‌کند بر این‌که خداوند متعال خود را مکلف بر حفظ قرآن دانسته است و هیچ باطلی، از هر نوعی در قرآن راه ندارد (سامرالنص، ۷-۵).
- ۲- استناد به برخی از روایات، به عنوان نمونه در مورد «الف» در بین حرف «باء» و «سین» در «بسم یا باسم» به این روایت استناد کرده‌اند که «رسول خدا(ص) به معاویه در نگارش «بسمله» فرموده است: لیقه در دوات قرار ده، قلم را کج کن، باء بسمله را بر فراز، و دندانه‌های سین را از هم جدا ساز، و میم را کور و تو پر ننگار و...» (متقی هندی، ۳۱۴/۱۰؛ شهیدثانی، ۳۵۰). زید بن ثابت می‌گوید: «رسول خدا(ص) می‌فرمود؛ هرگاه بسم الله الرحمن الرحيم را می‌نگاری، «سین» را واضح و روشن بنویس (یعنی دندانه‌های سین را مشخص نما)» (متقی هندی، ۱۰/۲۴۴). در تعلیمی دیگر فرموده‌اند: ««باء» بسم الله الرحمن الرحيم را کشیده و بلند بنگار و دندانه‌های سین را مشخص بنویس و میم را کور و تو پر نویس» (شهید ثانی، ۱۷۹).
- ۳- برخی معتقد‌ند رسم قرآن توقیفی است و پیامبر(ص)، صحابه را ملزم به نگارش این چنینی قرآن نموده است و همان قرآن را ابوبکر در زمان خود جمع کرد و منبع نگارش قرآن در زمان عثمان گردید (شنقیطی، ۱۳). یعنی پیامبر(ص) شخصاً بر نگارش قرآن نظرات داشته است.
- ۴- «اجماع صحابه و تابعین و بعد از آن‌ها بر استحسان رسم عثمانی و منع آن‌ها از مخالفت با آن» (دانی، ۱۶۴؛ زرکشی، ۳۷۹/۱؛ مارغنى، ۴۲؛ زرقانی، ۳۷۷/۱؛ بريکان، ۳۰۷).
- ۵- محمد ظاهر کردی ۳ دلیل برای اعتقاد به توقیفی بودن رسم المصحف آورده است که عبارتند از: «الف: علامه آلوسی در تفسیر خود، به نام روح المعانی می‌گوید: ظاهرًا

صحابه رسم الخط را به خوبی می‌دانسته و به قواعد کتابت، عالم بوده‌اند؛ جز اینکه آنان در بعضی از موارد، بعده و از روی حکمت و فلسفه‌ای، برخلاف این قواعد چیزی نوشته‌اند. ب: آنان با پادشاهان و امیران، مکاتبه می‌کردند و ناچار باید کتابت را به خوبی دانسته باشند. ج: در عهد عثمان، بیش از یک ربع قرن، از اشتغال مردم جزیره‌العرب به امر کتابت و نوشتمن، گذشته بود؛ آیا معقول است که صحابه در این مدت طولانی، کتابت را بدروستی فرانگرفته باشند؟ (کردی، ۱۰۱-۱۰۲).

۴-۳-۲. نقد و بررسی

- ۱- این‌که رسم الخط قرآنی توقیفی است نیاز به دلیل دارد و هیچ دلیل قطعی در قرآن و سنت پیامبر(ص) بر این امر وجود ندارد. آیات (الحجر، ۹) و (فصلت، ۴۱ و ۴۲) نیز بر عدم تحریف قرآن دلالت دارند نه بر رسم الخط قرآن کریم.
- ۲- روایاتی را که از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند دارای معايب ذیل هستند:
 - با امّی بودن پیامبر(ص) ناسازگار است.
 - «اگر بر فرض، جریان مذکور درست باشد مربوط به رسم الخط قرآن نیست» (حجتی، ۵).
 - معاویه و پدرش ابو سفیان در فتح مکه اظهار اسلام کردند، او علاوه بر این‌که از «طلقاء» به شمار می‌رفت در زمرة «مؤلفة قلوبهم» قرار داشت که در برابر اظهار اسلام، مزد و بهاء دریافت می‌کردند.
 - برخی از اساتید و بزرگان حدیث اهل سنت (همچون اسحاق بن راهویه؛ استاد بخاری) گفته‌اند که هیچ چیزی در فضائل معاویه، صحیح نیست (ابوریه، ۱۲۸).
 - برخی نیز همچون ابوریه گفته‌اند که «معاویه حتی یک کلمه از قرآن را ننگاشت» (همانجا، ۱۳۰)، تا چه رسد به اینکه آیه‌ای را نوشته باشد و یا بالاتر از آن از کتاب وحی به شمار آید.
 - ۳- روایات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد که کتاب وحی در نگارش برخی از کلمات قرآن با هم اختلاف داشتند. زیرا عثمان به آن‌ها گفته بود که هرگاه با زید بن ثابت

در مورد قرآن دچار اختلاف شدید، آن را به زبان قریش بنویسید زیرا قرآن با زبان آنها نازل شده است (طبری، ۲۴/۱).

۴- در نقدهای مختلف آقای کردی نیز می‌توان گفت که هر سه دلیل او اشتباه است زیرا الف: این یک ادعای صیرف است و ایشان باید بگوید صحابه براساس کدام حکمت و فلسفه یک نوع نگارش خاصی را در قرآن وارد کرده‌اند این خطیب در این زمینه می‌گوید: وا مصیبتا! آیا قرآن نیز همانند لگاریتم، طلسما، رمل، اسٹرالاب، نجوم و علومی از این قبیل است که تصور می‌کنند نفاست آنها در اسراری است که در آنها نهفته و جز با کوشش و تلاش بسیار و پس از گذشت زمانی دراز، نتوان بدان دست یافت؟ (معرفت، ۱۳۱).

ب: اتفاقاً مکاتبه صحابه با امیران و... سرزمین‌های دیگر این امر را به اثبات می‌رسانند که آن‌ها از آئین نگارشی مرسوم در آن زمان در نگارش قرآن استفاده می‌کرده‌اند و حتی برخی از افراد همچون دکتر پاکتچی و غانم قدوری حمد از سنگ‌نبشته‌های موجود در آن زمان به این نتیجه رسیده‌اند که نگارش خاص کلمات قرآنی در آن زمان مرسوم بوده و حتی استنادی موجود است که دلالت می‌کند برخی از کلمات همسان به دو شیوه نوشته می‌شوند. ج: این ادعای آقای کردی نیز اشتباه است زیرا صحابه آئین نگارش را می‌دانستند اما براساس همان آئین نگارشی که وجود داشته است.

۴-۳. نظریهٔ إعجاز رسم الخط قرآن کریم

در بین افرادی که معتقد به توقيفی بودن رسم الخط قرآن کریم هستند افرادی وجود دارند که معتقد به معجزه بودن رسم المصحف هستند. نظریهٔ «إعجاز الخطی قرآن» مسئله بسیار تازه‌ای است که هیچ‌یک از علماء متقدم به آن تصريح نکرده‌اند. شاید قدیمی‌ترین متنی که به این موضوع اشاره داشته است؛ نقل صاحب نثر المرجان از صاحب الخزانه است که او این جمله را به کسایی نسبت داده است: «فی خط المصحف عجائِب و غرائب تحیرت فيها عقول العقول و عجزت عنها آراء الرجال البلغاء و كما أن لفظ القرآن معجز فكذلك

رسمه خارج عن طوق البشر» (ارکاتی، ۱۲/۱) و شاید شروع کننده این امر ابن البنا مراکشی باشد که در کتاب خود، به نام «عنوان الدلیل فی مرسوم التنزیل» ظواهر رسم را بر مبنای اختلاف معانی کلمات، مطابق سیاق عبارت و با روش صوفیانه و باطنی گرایانه تفسیر کرده است و هرگز به لغت و طبیعت نگارش عربی، نپرداخته است. این روش ابو العباس، در کسانی که پس از وی به بررسی ظواهر رسم پرداختند، تا زمان حاضر تأثیر داشته است (مراکشی، ۳۲؛ قدوری حمد، ۱۱).

اماً اغلب دانشمندان اوّلین کسی را که این موضوع را مطرح کرد عبدالعزیز دباغ می‌دانند و به جوابی که به شاگردش احمد بن مبارک سجلماسی در مورد رسم المصحف داد استناد می‌کنند. او گفت: «صحابه و دیگران به اندازه یک جو در رسم المصحف دخالت نداشته‌اند و آن، صرفاً توقیفی و تعیین شده از جانب پیامبر(ص) است. پیامبر(ص) فرموده به این شکل تدوین شود، جایی با الف زاید و جایی بدون الف، آن را بنویسند زیرا این‌ها اسراری است که عقل‌ها بدان راه نمی‌برد و سرّ از اسرار خداست که خاص کتاب عزیز است، نه دیگر کتاب‌های آسمانی همان‌گونه که نظم قرآن معجزه است، رسم الخط آن نیز معجزه می‌باشد عقل‌ها چگونه به سر آوردن الف در «مائه» و حذف آن از «فائه» و اضافه کردن «یا» به «باید» و «بایکم» و نوشت آن‌ها به صورت «باید» و «بایکم» پی‌می‌برد؟ و یا چگونه می‌توان فهمید که چرا در کلمه «سعوا» در سوره حج با الف نوشته می‌شود، ولی همین کلمه در سوره سبا بدون الف «سعو» نوشته می‌شود؟ باز چرا کلمه «عتو» در هرجا که باشد با اضافه الف و تنها در سوره فرقان، بدون الف و به صورت «عتو» نوشته می‌شود؟ و از همین قبیل است سر زیادت الف در «آمنوا» و حذف آن از «باء» و «جاء» و «تبوء» و «فاء» در سوره بقره تمام این‌ها، اسرار الهی و اغراض حکمت‌آمیز پیامبر(ص) است که بر مردم پوشیده می‌باشد، زیرا این‌ها اسرار باطنی است که جز از طریق موهبت الهی، قابل درک نیست و مانند الفاظ و حروف مقطعه‌ای است که در اوایل سُور است و دارای اسراری بزرگ و معانی بسیاری است که بیشتر مردم بدان اسرار پی‌نمی‌برند و چیزی از معانی الهی که

بدان‌ها اشاره شده، درک نمی‌کنند و رسم الخطی که در قرآن به کار رفته از همین قبیل است» (سجملماسی، ۸۷-۸۸).

۴-۳-۱. موافقان إعجاز الخطی قرآن

بعد از دیگر است که می‌بینیم بحث «إعجاز الخطی قرآن» یا همان «اعجاز رسم الخط قرآن» یا «معجزه بودن رسم المصحف» در بین آثار دانشمندان اهل سنت بسیار به چشم می‌خورد تا این‌که برخی از آن‌ها در عنوان‌کتاب‌هایشان از کلمه «إعجاز» استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه «رسم القرآن المعجز بخصائصه و ظواهره و اسراره اثر عاطف امین قاسم مليجي»، «الاعجاز القرآني في رسم العثماني اثر عبدالمنعم كامل شعير»، «رسم القرآن معجز كلفظه و لا يمكن تغييره اثر محمد سامر»، «اعجاز رسم القرآن و اعجاز التلاوة اثر محمد شملول». برخی دیگر نیز هرچند که از کلمه «اعجاز» در آثارشان استفاده نکردند اما عنوان و محتوای کتاب‌هایشان دلالت بر همین موضوع دارد. به عنوان نمونه «ارشاد الحیران الى معرفة ما يجب اتباعه في رسم القرآن اثر محمد بن على بن خلف حسینی مشهور به حدّاد (١٣٥٧ق)»، «إيقاظ الاعلام لوجوب اتباع رسم المصحف الامام عثمان بن عفان اثر محمد حبیب الله بن عبد الله شنقطی (١٣٦٢ق)»، «سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الكاتب المبین اثر علی بن محمد ضباع (١٣٨٠ق)»، «خصوصیات رسم العثماني للمصحف الشريف اثر عبدالعظيم المطعني (١٤٢٩ق)» و «الجلال و الجمال فی رسم الكلمة فی القرآن اثر سامح القلينی».

به عنوان نمونه؛ محمد شملول می‌نویسد: «كلمة القرآنية معجزة في كتابتها و معجزة في ترتيلها و معجزة في بيانها» (شاملول، ۸) و شنقطی نیز همین مفهوم را با الفاظ دیگری می‌رساند: «خط القرآن العظيم معجز لسائر الانس و الجن كنظم لفظه» (شنقطی، ۳۶).

این موضوع تا جایی پیش رفت که برخی از شعراء در مورد آن اشعاری سروندند. به عنوان نمونه، محمد العاقب الجکنی (۱۳۱۲ق) در منظومه‌اش «كشف العمی فی رسم المصحف» اثر صفحه ۴ می‌نویسد:

رسم القرآنِ سنت متبوعة
لأنه إما بأمر المصطفى
و كل من بدل منه حرفاً
والخط فيه معجز للناس
لا تهتدى لسره الفحول
قد خص الله بتلك المنزله
ليظهر الإعجاز في المرسوم

كما نحا أهل المناحي الاربعة
أو بجتماع الراشدين الخلفا
باء بنار أو عليها أشفي
و حائدا عن مقتضى القياس
و لا تحوم حوله العقول
دون جميع الكتب المنزلة
منه كما في لفظه المنظوم

۴-۳-۲. دلائل موافقان این دیدگاه

اعتقاد به معجزه بودن رسم الخط قرآن کریم قرآن منوط به اعتقاد به توقيفی بودن رسم المصحف است. به عبارت دیگر، توقيفی بودن رسم المصحف شرط لازم و نه کافی برای إعجاز الخطی قرآن است. یعنی اگر پذیریم که رسم المصحف وجهی از وجوده إعجاز قرآن است، لزوماً توقيفی و وحی بودن آن را نیز پذیرفته‌ایم. ولی اگر بگوییم رسم قرآنی توقيفی و وحی است لازم نیست که حتماً معجزه باشد زیرا هر آنچه که وحی باشد لزوماً معجزه نیست.

ادله توقيفی بودن رسم المصحف را بیان نمودیم ولی همه آنها نمی‌توانند دلایل معجزه بودن آن نیز باشند. در ذیل دلایلی را که صاحبان این دیدگاه بیان نموده‌اند را ذکر می‌کنیم.

۱- بسیاری از این افراد، به قول دیگر به شاگردش احمد بن مبارک سجل‌مامی استناد می‌کنند.

۲- برخی دیگر نیز معتقدند که ظواهر رسم عثمانی با قواعد رسم اصطلاحی مخالفت دارد، زیرا کاتیان مأمور بودند این چنین بنویسند (ابراهیم صالح، ۸۵).

۳- برخی دیگر، به این استناد کرده‌اند که رسم الخط قرآن کریم با بقیه نوشته‌های عصر نزول قرآن، همچون نامه‌های پیامبر(ص) به سایر ملوک و همچنین اسماء سور متفاوت است (شاملو، ۵۲-۵۳).

۴-۳-۲. نقد و بررسی

- ۱- کسانی که این دیدگاه را دارند پیش از آن باید به توقیفی بودن رسم المصحف معتقد باشند و لذا تمام دلایل معتقدان به اجتهادی بودن رسم المصحف و همچنین دلایلی که برای رد توقیفی بودن قرآن ارائه شد در رد این نظریه نیز وارد است.
- ۲- کسانی که به «اعجاز الخطی قرآن» معتقد هستند، پیش از آن می‌بایست به «معجزه» نیز معتقد باشند. معجزه عبارت است از: «امر خارق عادتی که همراه با تحدّی و سالم از معارضه باشد» (تفتازانی، ۱۱/۵). اما هیچ نصّی از قرآن و هیچ روایتی از مقصومان(ع) و هیچ تصویری از دانشمندان متقدم و متاخرّ، بر خارق العاده بودن این نوع از نگارش قرآن وجود ندارد. از طرفی این نوع رسم الخط سالم از معارضه نیست و همچنین خداوند متعال به آن تحدّی ننموده است. قائلان به «معجزه» می‌دانند که در تحدّی می‌بایست حتماً از جانب خداوند متعال بر آن سندی وجود داشته باشد و به همین دلیل است که با وجود الهی بودن تورات و انجیل، هیچ یک از ویژگی‌های آن کتاب‌های آسمانی را معجزه نمی‌دانند.
- ۳- با مطالعه کتاب‌های عهده‌ین، اشعار عرب جاهلیت، آیات قرآن و کتاب‌های قرون اوییه دانشمندان اسلام، به این نتیجه می‌رسیم که کلمه‌های «معجزه و اعجاز» در اواخر قرن سوم و ابتدای قرن چهارم جعل شده و سپس در کتاب‌های مختلف راه پیدا کرده‌اند. لذا قبل از قرن چهارم این کلمات اصلاً وجود نداشته‌اند و اویین کسانی که آنها را وضع نموده‌اند، متکلمان بودند. این مسأله باعث شد که روز به روز این اصطلاح‌ها استعمال بیشتری داشته باشند و باعث متروک شدن استعمال کلماتی همچون «آیه، بینه، برهان، دلائل و...» شوند. در سال‌های اخیر نیز مسأله «اعجاز الخطی قرآن کریم» مطرح شده است که همین محدث بودن اصطلاح‌های «معجزه و اعجاز» دلیلی بر بدون پشتونه قرآنی و روایی بودن آن‌هاست. هر چند که این نظریه «اعجاز الخطی قرآن کریم» از نظر قدمت بسیار نوظهور می‌باشد و همین، دلیلی بر بطلان آن می‌باشد.
- ۴- مطلب دیگری که در نقد این گروه از افراد می‌توان ارائه داد این است که مثلاً آقای

محمد شملول که از معتقدین اعجاز رسم الخط قرآن کریم است کتاب «اعجاز رسم القرآن و اعجاز التلاوته» را در تبیین وجود این اختلافات نگارشی نوشته است. خود او از کسانی است که می‌گویند این نوع خاص نگارش کلمات قرآن معجزه است و معتقدند که این تفاوت در نگارش حکمت‌هایی دارد که جز خداوند متعال کسی از آن مطلع نیست و عقل‌ها از درک آن عاجز هستند اما با این حال کتاب مذکور را نوشته است و توجیهات گوناگونی که برخی از آن‌ها معقول و برخی دیگر مزحک هستند در توجیه این اختلافات بیان داشته است.

۵- نتایج مقاله

سیر تکامل خطنویسی در طول تاریخ روند رو به پیشرفتی داشته است. در عصر نزول قرآن، خطنویسی در اوج تعالی خود قرار نداشته است و لذا کاتبان وحی می‌باشد بر اساس قواعد خطنویسی در آن زمان به نگارش قرآن پرداخته باشند و غیر از این نیز گزارش نشده است درنتیجه رسم الخط قرآن کریم با رسم الخط تمامی مکاتبات دیگر یکی بوده است. با مرور زمان خطنویسی پیشرفت کرده و آینین کتابت عربی تغییر نموده است. اما هیچ‌کس به خود اجازه نداده که نوع نگارش قرآن را تغییر دهد و به همین دلیل، امروزه شاهد تفاوت‌هایی در رسم المصحف با رسم الإملاء هستیم. این تفاوت‌ها دو قسمت هستند اوّل تفاوت نگارش کلمات قرآنی با کلمات عربی و دوم کلمات همسانی که در قرآن به دو شکل متفاوت نگارش شده‌اند. با بررسی‌هایی که صورت گرفت، آرای دانشمندان در این خصوص را می‌توان در ۲ دسته تقسیم‌بندی نمود «توقيعی یا اجتهادی بودن رسم المصحف» ترکیب با «اعتقاد به تغییر یا عدم تغییر رسم المصحف»:

- ۱- برخی معتقدند رسم الخط قرآن کریم اجتهادی است. مستشرقان و برخی از مسلمانان در این دسته قرار می‌گیرند. آرای مستشرقان که به علت‌های گوناگون از جمله منابع محدود مطالعاتی، پیش‌فرض‌های غیرعلمی و متعصبانه و... از این تفاوت‌ها، مضطرب بودن متن قرآن را نتیجه گرفته‌اند و آرای مسلمانانی که معتقدند به تغییر رسم الخط قرآن کریم

براساس رسم‌الإملاء عربی هستند باطل است زیرا تغییر رسم الخط قرآن کریم براساس آئین نگارش هر زمانی کاری بسیار خطرناک است. اما آرای مسلمانانی که علی رغم اعتقاد به اجتهادی بودن رسم الخط قرآن کریم معتقدند نباید این رسم الخط مخصوص را تغییر داد، متقن بوده و آرای آن‌ها صحیح به نظر می‌رسد.

۲- برخی دیگر نیز معتقدند این نوع رسم الخط قرآن کریم توافقی بوده و صحابه با نظارت پیامبر(ص) اقدام به نگارش قرآن کرده‌اند. در بین این گروه هیچ کس اعتقاد به تغییر رسم الخط قرآن کریم ندارد اما در بین آن‌ها افرادی وجود دارند که پا را از این فراتر نهاده و معتقدند این نوع رسم الخط قرآن کریم معجزه محسوب می‌شود و عقل‌ها از درک ویژگی‌های آن عاجز هستند. آرای هر دو دسته این گروه به علت فقدان دلایل معتبر و متقن باطل بوده و ضعف استدلال‌های آن‌ها روشن گردید.

۳- وظیفه مسلمانان است که از اعمال سلیقه اجتناب کنند و به بهانه آسان کردن تعلیم آن و تسهیل آموختش قرآن در فکر کنار گزاردن رسم الخط قدیمی نباشند و از هر نوع تغییری اعم از کاستن یا افزودن سخت بی‌هیزند، زیرا اگر فکر تغییر رسم الخط قرآن در مغزها به وجود آید بیم آن می‌رود که با مرور زمان در هر عصر و زمانی عده‌ای بنا به سلیقه خود و براساس رسم الخط جدید و نوظهور به تغییر رسم الخط قرآن بپردازند و به خیال خود با کم کردن حروف زائد و رعایت رسم الخط جدید و برابر نمودن مقروء با مکتوب رسم الخط جدیدی ابداع کنند اما (یعنی سعی کنند آن‌چه خوانده شود بنویسن) دیری نمی‌پاید که دیگر کسی قرآن را نمی‌شناسد و قرآن هر کشوری از کشور دیگر مجزا می‌شود. حتی اگر همه دانشمندان اسلام در عصر حاضر معتقد به تغییر رسم الخط قرآن شوند باز هم کار اشتباهی است و آیندگان ما را از اعمال این تغییرات بهشدت نکوهش می‌کنند.

کتابشناسی

۱. القرآن الكريم.
۲. ابراهیم عوض صالح، عبدالکریم، المتحف فی رسم المصحف، طنطا، دارالصحابه للتراث، مكتبة الدراسة القرآنية، ۱۴۲۷ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمٰن، مقدمة ابن خلدون، ترجمة محمد بروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵ش.
۴. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دو، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام هارون، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن قتیبه دینوری، تأویل مشکل القرآن، بیروت، دارالكتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۷. ابویریه، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه، قم، مؤسسه انصاریان للطباعة و النشر، ۱۴۲۰ق.
۸. ابیاری، ابراهیم، تاریخ القرآن، بیروت، دارالکتاب اللبناني، ۱۹۸۲م.
۹. اركانی، محمد غوث بن ناصر الدین الناطی، نثر المرجان فی رسم ظم المرجان، حیدرآباد، مطبع عثمان یونس، ۱۳۳۹ق.
۱۰. آذرنوش، آذرتاش، «همزه و دشواری نوشتن آن»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۱۸ و ۱۷، ۱۳۵۳ش.
۱۱. باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب، الإنتصار للقرآن، بیروت، دارالفتح، ۱۴۲۲ق.
۱۲. همو، إعجاز القرآن، تحقيق سیداحمد صقر، مصر، دارالمعارف، ۱۹۹۷م.
۱۳. بربیکان، ابراهیم محمد، المدخل لدراسة العقيدة الاسلامیه علی مذهب اهل السنة و الجماعه، دار السنة للنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ق.
۱۴. بلاشر، رزی، در آستانه قرآن، ترجمة محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۱۵. پاکتجی، احمد، تأملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی، تحقيق مرتضی سلمان نژاد، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۴ش.
۱۶. تفتازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، تحقيق عبدالرحمٰن عميره، قم، نشر شریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۷. تفكری، حسن، پژوهشی در رسم المصحف و شیوه‌های علامت‌گذاری در قرآن، تهران، پیام عدالت، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۱۸. جفری، آرتور، واژگان دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدراهی، تهران، انتشارات توسع، ۱۳۷۲ش.
۱۹. حجتی، سیدمحمدباقر، «رسم الخط مصحف عثمانی: اسرار، حکمت و مزایای آن: دشواری قرائت مصحف و راه حل آن»، مجله پژوهش دینی، شماره ۴، بهار (۱۳۸۲ش)
۲۰. حداد، محمد بن علی الحسینی، ارشاد الحیران الى معرفة ما يجب اتباعه في رسم القرآن، تحقيق جمال الدين محمد شرف، دارالصحابه بطبطنا.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۲. خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۹۲ش.

۲۳. خمینی، مصطفی، تفسیر القرآن العظیم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول، (۱۴۱۸ق).
۲۴. خویی، سیدابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، به ترجمه هاشم هرسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲ش.
۲۵. همو، البيان في تفسير القرآن، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، بي تا.
۲۶. دانی، ابو عمرو، المقنع في معرفة مرسوم مصاحف أهل الامصار، تحقيق محمد احمد دهمان، دار الفكر، ۱۴۰۳ق.
۲۷. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغة النبوية، الطبعة الاولى، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۱ق.
۲۸. رامیار، محمود، تاريخ قرآن، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹ش.
۲۹. زرقانی، محمد عبدالعظيم، مناهی الرفان في علوم القرآن، تحقيق محمد على قطب و يوسف محمد، المكتبة العصرية، ۱۴۲۲ق.
۳۰. زركشی، بدرالدین محمد، البرهان في علوم القرآن، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار المعرفة، ۱۳۹۱ق.
۳۱. زمخشیری، محمود بن عمر، الكشاف في تفسیر القرآن، بيروت: دارالنشر الكتب العربي، ۱۴۰۷ق.
۳۲. سامر النص، محمد، رسم القرآن معجز كلفظه و لا يمكن تغييره، دار التوفيق، ۲۰۰۷م.
۳۳. سجلماضی، احمد بن مبارک، الابریز من کلام سید عبدالعزیز الدباغ، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۳۲ق.
۳۴. سرگین، فؤاد، تاريخ نگارش‌های عرب، ترجمة نشر فهرستگان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.
۳۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، سیوطی الاتقان في علوم القرآن، بيروت، دار الكتب العربي، ۱۴۲۱ق.
۳۶. همو، ترجمة الاتقان في علوم القرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
۳۷. شبیلی، رؤوف، جواهر الرفان في الدعوة و علوم القرآن، عالم الفکر، ۱۴۰۹ق.
۳۸. شملول، محمد، اعجاز رسم القرآن و اعجاز التلاوته، قاهره، دارالسلام، الطبعة الاولى، ۱۴۲۷ق.
۳۹. شنتیطي، محمد، ایقاظ الاعلام لوجوب اتباع رسم المصحف الإمام، سوریه، مکتبة المعرفه، ۱۳۹۲ق.
۴۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، به کوشش سیداحمد حسینی، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۲ق.
۴۱. صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی، ۱۳۴۸ق.
۴۲. همو، مباحث فی علوم القرآن، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۲ش.
۴۳. صدقوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار، محقق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۴۴. طبری، فضل بن حسن، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البيان عن تأویل آی القرآن، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۵ق.
۴۶. عاقب محمد، بن سیدی عبدالله بن مایابی الیوسفی الجکنی، کشف العمی و الرین عن ناظری مصحف ذی النورین، بی جا، بی نا، بی تا.

۴۷. عباده، عبدالفتاح، انتشار الخط العربي في العالم الشرقي و العالم الغربي، قاهره، مكتبه الكليات الازهرية، بي.تا.
۴۸. عبدالحليم. م س، ترجمة على اكير خان محمدی، «أصول رسم الخط عثماني قرآن کریم»، وقف میراث جاویدان، شماره ۲۲، ۱۳۷۷ ش.
۴۹. عبود الجبوری، تركى عطيه، الخط العربي الاسلامي، بغداد، دارالبيان، ۱۹۷۵ م.
۵۰. فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، تحقيق احمد يوسف نجاتی و محمد على نجار، قاهره، الهيئة المصرية، العامة للكتاب، ۱۹۸۰ م.
۵۱. فک، يوهان، العربيه (دراسات في اللغة واللهجات والاساليب)، تعریف، عبدالحليم نجار، قاهره، مكتبه الخاجي، ۱۹۵۱ م.
۵۲. قدوری حمد، غانم، «مقایسه‌ای بین رسم الخط مصحف و نقوش قدیم عربی»، ترجمه حسین علی نقیان، مجله رشد، آموزش قرآن، دوره پنجم، شماره اول، (۱۳۸۶ ش).
۵۳. همو، ترجمه رسم الخط مصحف، قم، اسوه، ۱۳۷۶ ش.
۵۴. كامل شعیر، عبدالمنعم، اعجاز القرآن في رسم العثماني، رقم طباعة و دار، بي.تا.
۵۵. کردی، محمدطاهر، تاريخ الخط العربي و آدابه، قاهره، مکتبه الهلال، ۱۹۳۹ م.
۵۶. همو، تاريخ القرآن و غرائب رسمه و احكامه، مصر، شركة و مطبعة المصطفى البالبی الحلبي و اولاده، ۱۹۵۳ م.
۵۷. گلدزیهر، ایگناس، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالحليم النجار، بیروت، دارالاقراء، ۱۳۷۴ ق.
۵۸. مارغنى، ابراهيم به احمد، دليل الحيران على مورد الظمآن في فنی الرسم و الضبط ويليه (تبییه الخلان على الاعلان)، دارالكتب العلمية، ۱۹۹۴ م.
۵۹. متّقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، به کوشش صفوه السقا و بکر حبّانی، بیروت، مؤسّسه الرساله، ۱۳۹۹ ق.
۶۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ م.
۶۱. مراكشي، ابو عباس، عنوان الدليل من مرسوم خط التنزيل، تحقيق هند شبلي، دارالمغرب الاسلامي، ۱۹۹۰ م.
۶۲. مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۷۵ ش.
۶۳. معرفت، محمدهادی، تاريخ قرآن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲ ش.
۶۴. همو، التمهید، قم، مؤسّسه الشّریف الشّافعی، جامعه مدرسین حوزه علیمه، بي.تا.
۶۵. همو، علوم قرآنی، قم، مؤسّسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۱ ش.
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر، اشتباہات در رسم الخط عثمانی، قم، امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷ ش.
۶۷. نولدک، تتدور، تاريخ قرآن، ترجمه: جرج تامر و دیگران، بیروت، النشر مؤسّسه کونراد آدنائیر، ۲۰۰۴ م.
68. Luxenberg, Christoph, "Die Syro – aramische Lesart des Koran", Ein Beitrag zur Entschlüsselung der Koransprache, Berlin: Das Arabische Buch, (2000).
69. <https://www.porseman.com>
70. <http://portal.esra.ir>
71. <http://www.teh-aliebneabitaleb.ir>